



تأثیر خانواده در بهبود کیفیت و پیشبرد اهداف آموزش عمومی

مقدمه:

موقعیت خاص و انقلابی کشور و اهمیتی که دین مبین اسلام به سوادآموزی داده موجب شده است که در دهه‌های اخیر یکی از سیاست‌های اصلی آموزش و پرورش توسعه آموزش و همگانی نمودن آن باشد. اما نرخ بالای رشد جمعیت به همراه ورود کودکان واجب‌التعلیم به سیستم آموزشی، نرخ ورود به آموزش عمومی را با سیر صعودی مواجه نموده و آن را به بیش از ۷ درصد در سال افزایش داده است. این توسعه کمی مشکلات فراوانی را برای آموزش عمومی ایجاد کرده که بالا رفتن تراکم دانش آموزان در یک کلاس، کمبود معلم و فضای آموزشی و نیز کمبود امکانات آموزشی و تجهیزاتی از آن جمله‌اند. از طرف دیگر درصد قابل توجهی از هزینه‌های آموزش عمومی که تقریباً تمام بودجه آن م باشد از طرف دولت پرداخت می‌شود ولی تنگناهای اقتصادی و مالی و تورم ناشی از دوران بازسازی پی از

جنگ موجب گردیده که تخصیص بودجه به آموزش عمومی با محاسبه نرخ ثابت نسبت به دو دهه قبل کاهش یابد. این عوامل عملاً اجرای سیاست آموزش عمومی را با مشکلات فراوانی مواجه ساخته است. به نحوی که بنظر می‌رسد حل این مشکلات بدون همکاری و مساعدت و مشارکت همه جانبه مردم و اولیا مقدور نباشد.

اهداف آموزش عمومی

اصطلاح آموزش عمومی از دوره آمادگی و پیش دبستانی تا پایان دوره متوسطه عمومی و دوره‌های تربیت معلم و آموزش‌های عمومی فنی و حرفه‌ای را شامل می‌شود اما برای بررسی بهتر در این مقاله آموزش عمومی از مقطع ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در نظر گرفته شده است.

نقش مؤثری که آموزش و پرورش در زمینه پیشرفت و سعادت‌مندی جامعه و

افرادش ایفا می‌کند بر کسی پوشیده نیست بطوری‌که اعتقادی عمیق نسبت به قدرت تعلیم و تربیت بوجود آورده است. این اعتقاد با درک رابطه غیر قابل تفکیک میان تعلیم و تربیت و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ابعاد جدیدی یافته است. قدر مسلم آن است که این قدرت وقتی حاصل و این روابط زمانی ایجاد می‌شود که تعلیم و تربیت در مسیر هدفها و خط مشی‌های حساب شده و متناسبی پیش برود. این اهداف که با توجه به نیازهای فردی و اجتماعی هر جامعه‌ای انتخاب می‌شوند در مدارس و مؤسسات آموزشی که برای تحقق بخشیدن به هدفهای فردی و اجتماعی بنیان‌گذاری شده‌اند، محقق می‌گردد. در این میان آموزش و پرورش نقش تعیین کننده‌ای در به انجام رساندن این وظایف خطیر بعهده دارد با توجه به این موارد است که اهداف کلی زیر برای آموزش عمومی کشور ما اتخاذ گردیده است.

اهداف کلی آموزش عمومی

- ایجاد محیط مساعد برای تزکیه نفس و پرورش فضایل اخلاقی و اعتلای فرهنگی دانش‌آموزان
- پرورش استعداد های کودکان و کمک به رشد و خلاقیت آنان به منظور هدایت تحصیلی و شغلی آن
- ایجاد مهارت‌های اساسی در خواندن و نوشتن و حساب کردن و نیز آموزش رفتارهای اجتماعی و افزایش تجارب و معلومات عمومی و نقویت یک یا چند مهارت که قابل عرضه در بازار کار باشد و ایجاد آمادگی برای ورود به دانشگاه.
- آموزش بهداشت و پرورش قوای جسمانی دانش‌آموزان

ضرورت بهبود کیفیت در آموزش عمومی

لفظ کیفیت به خاصیت ممتاز یک شیئی و نیز تعیین برتری و برجستگی آن اطلاق می‌شود این امر تا حدودی از سطح بر حسب ضوابط ایده‌آلی و تا حدودی بر حسب کارایی نسبت به ضوابط ورودی مستفاد می‌شود. بنابراین چنانکه آموزش عمومی بخواهد با کیفیت عمل نماید ضروری است که به اهداف مورد نظر خود دست یابد و نیز برتریهای مورد نظر آموزش عمومی در هر شرایط و موقعیتی حفظ گردد.

اما افزایش رو به تصاعد متقاضیان آموزش عمومی و نیز تغییرات سریع و وسیع در دانش و تکنولوژی وسایر جریان‌ات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی موقعیتی را بوجود آورده است که باید به تغییرات آموزشی نیز اندیشید و آنرا با روند تغییرات جامعه هماهنگ نمود. زیرا همانطوری که پیشرفت تابع شرایط زمان و مکان است و همانگونه که علم و صنعت و روابط اجتماعی و خانوادگی دائماً در حال تغییرند ضوابط کارهای آموزشی نیز بایستی متداوم از نو ایجاد شوند. اگر در نظر بگیریم که همه چیز در حال دگرگونی و تغییر است بنابراین صرفاً رشد آموزشی

نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای فردی و اجتماعی باشد هرگاه با این دیدگاه به کیفیت بنگریم نمی‌توان آموزش عمومی را بدون تغییر ادامه داد و گسترده‌تر کرد بلکه باید به شکلهای دیگر درآورد و آن را به صورت یک ارگانیسم جاندار متحرک و چند جانبه نگریست که نه تنها دارای نیروی فی نفسه‌ای برای رشد است بلکه قادر است که خود را از نو بسازد و بهتر کند و با شرایط عوض شونده‌ای وفق دهد تحقق این امر دو نوع دگرگونی کیفیت در نظام آموزش عمومی را طلب می‌کند.

۱- کیفیت درونی که از طریق ضوابط و میزانها و معیارهای معمول مورد قضاوت قرار می‌گیرد. داده‌های آموزشی نسبت شاگرد به معلم، صلاحیت هیأت علمی، مقدار فضای آموزشی، لوازم آموزشی، تجهیزات نسبت به تعداد دانش‌آموزان و هزینه سرانه برای هر دانش‌آموز مبنای قضاوت کیفیت درونی را شامل می‌شود اگر عوامل فوق که به آن کیفیت جریان آموزشی نیز اطلاق می‌شود به میزانهایی که معمولاً مورد قبول قرار می‌گیرد تا به نتایج مطلوب آموزشی برسند تطبیق داده شود گفته می‌شود این نظام با ضوابط خوبی منطبق است زیرا فرض بر این است که اگر ضوابط خوب باشد محصولات نیز خوب است.

۲- کیفیت برونی که کارایی و توانمندی آموزش عمومی با توجه به معیارهای اقتصادی و اجتماعی بطور وسیع و گسترده مورد ارزیابی قرار می‌گیرد این عوامل که به آن کیفیت محصول آموزشی نیز اطلاق می‌شود در خصوص توسعه آموزش با تقاضای اجتماعی، احتیاجات نیروی انسانی، رشد اقتصادی و کارایی برونی آموزش را شامل می‌شود.

نکته قابل توجه آنست که آموزش عمومی هنگامی می‌تواند نیازهای اجتماعی و فردی را ارضاء نماید که متناسب با تغییرات و با کارایی مناسبی عمل نماید.

اجزای کیفیت آموزش

آرمان آموزش عمومی آنست که تمام افراد جامعه به اهداف کلی آموزش دست یابند اما محدودیت‌های فردی و اجتماعی فرصت آموزشی یکسانی برای افراد بوجود نمی‌آورد. هرچند که آموزش و پرورش همواره تلاش گسترده‌ای را برای دستیابی به اهداف آموزش عمومی از خود نشان می‌دهد ولی بحث بیشتر بر سر میزان موفقیت، مقدار و تناسب وظایف و اهداف آموزش عمومی از جنبه‌های مختلف آموزشی است به این ترتیب کیفیت آموزشی مفهومی است که خصوصیات چندی را شامل می‌شود و برای روشن شدن آن را به اجزاء مختلفی طبقه‌بندی کرده‌اند که عبارتند از:

۱- وسعت

کیفیت آموزش و پرورش از این جنبه به بررسی گستردگی و اهمیت موضوع و نیز انتخاب برنامه‌های متناسب با آن می‌پردازد این جنبه از آموزش به تنسیبی میان آموزش و پرورش عمومی و آموزش تخصصی می‌پردازد و اصولاً به این مطلب تأکید می‌نماید که اگر کودکان مدت زمان کوتاهی مثلاً ۵ سال در مدرسه بمانند باید بر آموزش عمومی تکیه نمود نه مهارت‌های تخصصی بنابراین انتخاب برنامه‌ها و وظایف و تنوع آنها و کثرت مواد آموزشی و دوران تحصیل از این جنبه مورد توجه است.^۱

۲- هرم

یکی دیگر از اجزای کیفیت آموزشی هرم آموزشی است این امر که از تناسب نسبی مدرسه و سنین مختلف تشکیل شده است بستگی به طول مواد آموزشی مدرسه و عرض شبکه آموزشی دارد در واقع با تعمیم آموزشی عمومی طول دوران آموزشی مواد درسی و شبکه آموزشی هرمی را تشکیل می‌دهند که در قاعده آن تمام افراد واجب‌التعلیم قرار دادند و در نوک هرم نخبگان و افراد با استعداد قرار می‌گیرند.

کیفیت هرم نه تنها بستگی به شکلش دارد بلکه همچنین مربوط به خود نظام برای انتخاب محصلین در هر سطحی می‌شود: عالی‌ترین شکل هرم بستگی به قدرت کودک برای استفاده از آموزش دارد تا تواناترین آنها در هر سطحی انتخاب شوند و در این میان گستردگی قاعده هرم نه تنها نشان از عدالت اجتماعی دارد بلکه آینده هر کشوری بستگی به پیدا کردن مغزها و تربیت آنها دارد و چون قدرت طبیعی به صورت تصادفی توزیع شده تنها راه کسب بهترین استعدادها دادن فرصت به هر کسی است به این ترتیب حتی اگر رأس هرم خیلی نازک باشد قاعده آن باید وسیع باشد.^۲

موفقیت

این جنبه از کیفیت آموزش را باید در چگونگی حصول به هدفهایش بررسی کرد موفقیت تا حدودی به خود مشکل بستگی دارد و تا حدودی به منابعی که در اختیارش قرار گرفته است. موفقیت آموزشی تا حدود زیادی بستگی به حدودی دارد که مدرسه و خانواده دارای فرهنگ مشترکی باشند.^۳

مشکل کیفی موفقیت وقتی به صورت بفرنج در می‌آید که فرهنگ مدرسه و فرهنگ خانه بایکدیگر مغایر باشند این موضوع چندان جدی است که یکی از دلایل اشاعه یادگیری از راه حفظ کردن مطالب را مغایرت فرهنگی خانه و مدرسه می‌دانند زیرا که مشکل کودک در فهم معانی کامل متونی که توسط افرادی با فرهنگ دیگر و به زبان دیگری نوشته شده می‌باشد.

بدیهی است تقویت اجزای کیفی آموزش عمومی و تناسب آنها کیفیت بهینه‌ای را در امر آموزش عمومی بوجود می‌آورد.

نقش خانواده در تحقق اهداف آموزش عمومی

برای بهبود کیفیت آموزش عمومی و نیز دستیابی مطلوبتر به اهداف آموزش عمومی لازم است به جز مدرسه به همکاری

و همفکری بنیادهای اجتماعی دیگر که به نحوی از انحاء در پرورش افراد مؤثرند از جمله خانواده نیز توجه نمود و بیش از پیش این نکته را در نظر داشت که آموزش عمومی نه فقط بر تعلیم و تربیت رسمی که آنچه را غیر رسمی و خارج از مدرسه حاصل می‌شود نیز شامل می‌شود. به عبارت دیگر دو کانون مهم امر آموزش کودکان رابه عهده دارند مرحله اول آموزشگاه و در مرحله بعدی جامعه که عمیق‌ترین و مؤثرترین شکل آموزش در خانواده به وقوع می‌پیوندد زیرا که کودک قسمت اعظم زندگی خود را دور از مدرسه می‌گذراند و آموزشگاه تنها ۱۲ درصد از وقت او را خارج از محیط زندگی اش اشغال می‌کند بنابراین متقابلاً اولیا نیز باید از برنامه‌ها و اهداف و تکالیف و خواسته‌های آموزشگاه آگاهی یابند تا بتوانند متناسب با نیازهای آموزشی کودک و هماهنگ با مدرسه به منظور دسترسی به اهداف آموزش عمومی او را هدایت و کنترل نمایند در واقع انجمنهای اولیا و مربیان تشکیلات مناسبی هستند تا ارتباط سالمی را بین معلمان و پدران و مادران بوجود آورند.

تحقیقات و مطالعات فراوانی که در کشور ما و سایر کشورها انجام یافته نمودار این نکته است که اگر اولیا درگیر و علاقه‌مند به مسائل آموزشی فرزندان خود باشند کودکان نیز با ذوق و شوق بیشتری تحصیل خواهند کرد این موضوع ضرورت آگاهی خانواده از برنامه‌های آموزشی و مشارکت آنان در ایجاد عادات و تربیت را به خوبی بیان می‌کند زیرا اگر بتوانیم تأثیری بر روی نگرش اولیا نسبت به تعلیمات فرزندانمان داشته باشیم در واقع می‌توانیم انسجام و همسویی بیشتری را به منظور عملکرد اولیا در جهت دستیابی به اهداف آموزش بوجود آوریم و از این طریق همگونی و بهنجاری شایسته‌ای را در مطرح فرهنگ عمومی جامعه و خانواده و کلاسهای درسی شاهد باشیم.^۴

همسویی خانه و مدرسه به نوع دیگری نیز می‌تواند در دستیابی به اهداف آموزش

عمومی مؤثر باشد و آن راهنمایی خانواده در کمک به یادگیری فرزندانمان می‌باشد منظور از این نوع راهنمایی آن است که مدرسه خانواده را در کمک به یادگیری فرزندانمان راهنمایی کند زیرا از جمله عوامل مؤثر در کم یادگیری و یا بد یادگیری دانش‌آموزان عدم آگاهی کافی خانواده‌ها در مورد راهنمایی و هدایت فرزندانمان می‌باشد بنابراین به نظر می‌رسد تأثیر اولیا در دستیابی کودکان به اهداف آموزش عمومی را باید همواره مود توجه قرار داد و آن را با وضع تربیتی کودک در مدرسه هماهنگ نمود و در این مسیر کمک اولیا به کودکان آن است که آنان را در شناخت و استفاده از راههایی که به انجام موفقیت‌آمیز وظایف آموزشی می‌انجامد راهنمایی کنند.

از طرف دیگر اگر آموزش را جریانی بدانیم که آینده را در نظر دارد بنابراین باید دانش‌آموز تا حدودی مطمئن و خوشبین باشد که در آینده پاداشی به دست خواهد آورد و یا به هدفی دست خواهد یافت تا با آمادگی بیشتری برای انجام تکالیف خسته کننده مراحل مختلف آموزش را از خود نشان دهد و در این میان کمک و تقویت و تشویق والدین مؤثرترین و مطمئن‌ترین راه برای تلاش بیشتر فرزندان تا دستیابی به اهداف آموزش عمومی باشد، زیرا که آمادگی برای عقب انداختن پاداش با داشتن اطمینان به پاداش دهنده نیز ارتباط دارد و جای تردیدی نیست که در وهله اول خانواده و والدین و سپس معلمان روابط اطمینان بخشی با دانش‌آموزان دارند و یا باید داشته باشند داشتن چنین روابط خسته‌ای بین اولیا و مربیان و کودکان موجب می‌شود که هدایتها و راهنماییهای اولیا و مربیان حداکثر تأثیر را بر روی رفتار کودک در جهت یادگیری بهتر داشته باشد.

دست یابی به اهداف آموزش عمومی فرآیندی است که به عوامل محیطی چون محیط آموزش و همچنین محیط خانوادگی بستگی دارد. عوامل موجود در محیط آموزش که مهمترین آنها تکنیک آموزش

بشمار می‌رود برای دانش‌آموزان یک کلاس تقریباً یکسان است ولی آنچه در محیط خانواده دانش‌آموز می‌گذرد و نیز نحوه ارتباط و هدایت والدین با هم متفاوت می‌باشد و این موضوع تا حدودی تعیین‌کننده موفقیت در آموزش کودکان می‌باشد.

یکی دیگر از روش‌های مؤثر در دستیابی به اهداف آموزش عمومی آمادگی برای یادگیری در کودکان است آمادگی برای یادگیری یکی از وظایف مهم خانواده و مدرسه است این آمادگی اطمینان خاطر و اعتماد کودک به خود را افزایش می‌دهد این امر موجب می‌شود که کودک بتواند از فرصت‌های ایجاد شده و یا پیش آمده در محیط‌های اجتماعی به خوبی استفاده نماید و یا اینکه خود این فرصت‌ها را به وجود آورد مثلاً فرصت‌های بازی زیادی پیدا کند و یا از طریق همکاری با همسالانش موقعیت‌های تازه‌ای برای یادگیری کسب نماید در هر حال این اوامر به کودک کمک می‌کند تا به اهداف آموزش عمومی دست یابد روان‌شناسان از عوامل مؤثر در آموزش به نکات زیر اشاره نموده‌اند:

۱- موفقیت قبلی دانش‌آموزان که شامل آمادگی او برای یادگیری می‌باشد.
۲- زمینه خانوادگی دانش‌آموز که روابط داخلی خانواده آرزوها و هدف‌های خانواده را در برمی‌گیرد این عوامل نشان‌دهنده این واقعیت است روش‌هایی که قبلاً برای آموزش کودک بکار برده شده است در گرایش وی نسبت به نحوه یادگیری مؤثرند به عبارت دیگر روش‌های آموزشی یا تعلیمی که والدین یا مربی کودکستان و یا معلمان مدارس ابتدایی بکار می‌برند در یادگیری بعدی کودکان اثر عمیقی دارد هر نوع شیوه و روش آشنا برای یادگیری‌های بعدی خواهد بود این موضوع ضرورت آموزش و آشنایی خانواده را نسبت به مسائل آموزشی کودکانشان به خوبی روشن می‌نماید و بدیهی است اهمیت موضوع با لزوم هماهنگی آموزشی خانه و مدرسه و همسویی روش‌های تربیتی آنان دو چندان می‌گردد و در این میان انجمن‌های

اولیا و مربیان رایج‌ترین و پرمعناترین وسیله ارتباط بین خانه و مدرسه‌اند.

نتیجه‌گیری و راه‌حلهای پیشنهادی

به نظر می‌رسد که بعد از یک دهه رشد بی‌رویه دانش‌آموز که توسعه کمی وسیعی را برای آموزش عمومی به همراه داشت اینک زمان آن فرارسیده است که برای توسعه کیفی آموزش عمومی اقدامات اساسی به عمل آید زیرا که تغییرات سریع و وسیع در دانش و تکنولوژی و سایر جریانات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جوامع، همسویی و تحولی اساسی را در آموزش عمومی طلب می‌کند برای دستیابی به اهداف و نیز بهبود کیفیت آموزش موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱- صرفاً فراهم نمودن امکانات و تجهیزات آموزشی بهبود کیفیت را به همراه ندارد بلکه با توجه به موقعیت و شرایط زمانی باید تغییرات عمده‌ای در نحو آموزش بوجود آورد.

۲- برای دستیابی به کیفیت مطلوب آموزشی لازم است ضوابط و مشخصه‌های تعیین شده برای نظام آموزشی به دقت مراعات گردد.
۳- یکی از جنبه‌های کیفیت آموزشی چگونگی حصول به هدفها یا موفقیت می‌باشد. دستیابی به این امر تا حدود زیادی به اشتراک فرهنگی بین خانه و مدرسه بستگی دارد.

۴- انجمن اولیا و مربیان به عنوان رایج‌ترین و پرمعناترین وسیله ارتباط بین خانه و مدرسه می‌تواند فرهنگ مشترکی را بین خانه و مدرسه برقرار نماید.

۵- اولیا با آگاهی از برنامه‌های آموزشی و نیز با استفاده از روابط اطمینان بخشی که با فرزندان خود دارند می‌توانند تأثیر بسزایی در بهبود کیفیت آموزش عمومی داشته باشند و باید در آموزش کودکان از این توانایی به نحو مطلوب استفاده نمود.

۶- آمادگی دانش‌آموزان برای یادگیری بهتر یکی از جنبه‌های لازم برای بهبود کیفیت آموزش محسوب می‌گردد این امر با تجارب اولیه موفقیت کودک در خانواده و نیز ارتباط حسنه‌ای که بین والدین و مربیان بوجود می‌آید امکان پذیر است.

تسلیمت

با نهایت تأثر و تألم فوت جانگداز برادر علی غیاثوند مدیر عامل انتشارات تربیت را به خانواده گرامی آن مرحوم و همکاران ارجمند انتشارات تربیت. تسلیمت عرض نموده، از خداوند مئان برای آن مرحوم طلب مغفرت و برای کلیه بازماندگان صبر و شکیبائی مسئلت می‌نمائیم.
ماهنامه تربیت

منابع و ماخذ

- ۱- برنامه پنجساله آموزش و پرورش ۶۶- ۱۲۶۲ نشریه وزارت آموزش و پرورش
- ۲- کلیات نظام جدید آموزش متوسطه ناشر: وزرات آموزش و پرورش دفتر آموزش متوسطه
- ۳- جنبه‌های کیفی برنامه‌ریزی آموزشی، سازمان یونسکو، ترجمه احمد فتح‌پور